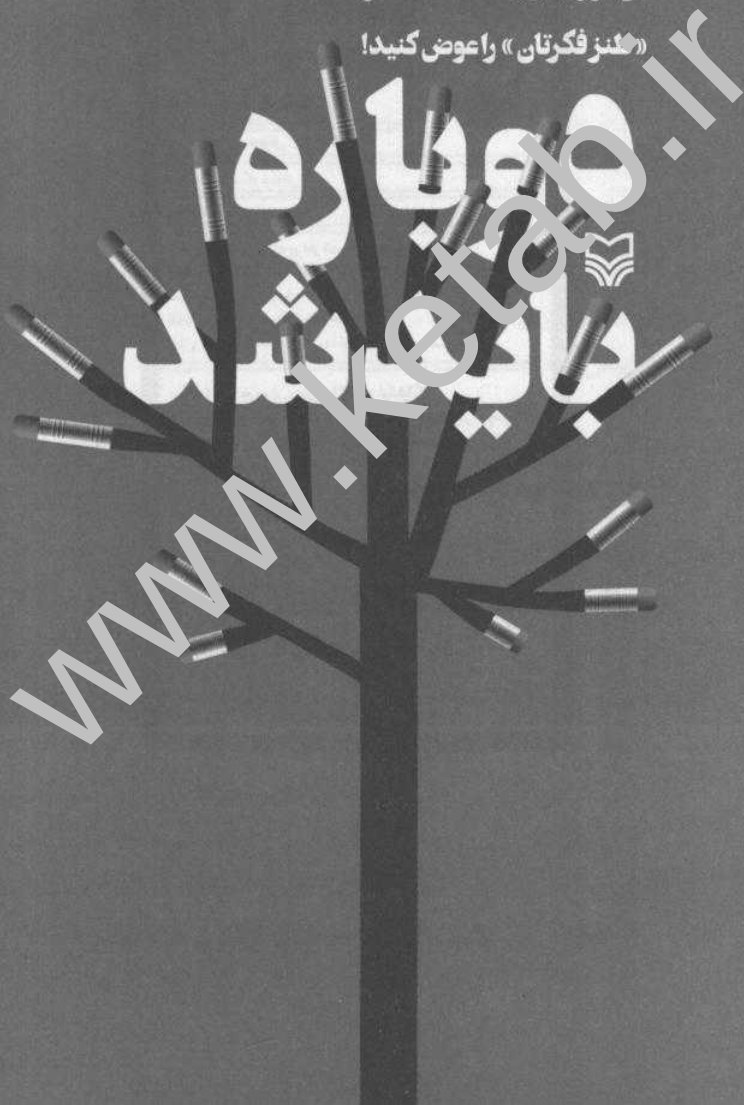


علی درویش / عشقالگر

«کنز فکرتان» را عوض کنید!

درویش باید بشد





«وطنز فکر تان، را عوض کنيد!
دوباره بايد شد...»

ویراستار: مهدی درویش

چاپ اول: ۱۳۹۶

مارگان: ۲۵۰۰ نسخه

971-6...3-151 3:56

نقل و نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسی: د. علی، ۱۳۴۱ - عشق‌آلگر
عنوان: تمام بدلت: دهم باره باید شد: طنز فکرتان را عوض کنید
مشترکات: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص.

ISBN:978-600-03-0158-3

وضعیت فهرست نویسی: فیای مختص
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۲۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشید، پلاک ۳۳

صندوق یسستی: ۱۱۴۴-۱۵ ۱۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیام: ۳۰۰ ۵۲

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۵۱-۶۴۶۰۹۹۳

W. v. S o o r e m e h r, i r

آفرین بر شگفت آفرین آمریش
تحفه درپیش...

بفرمایید نگاهی تازه کنید

با آرزوی سعادت و سلامت، سلامت می‌کنم. بی حرف بیش پیش قلم شده پرانتزی باز شود تا «نمونه» نگرش تازه‌ای از نگارش، در حوالی تمامیت «عرضی» خود هم بزنم. تا «چند قلم مطلب» را تعارف کنم. حکما بی حکمت نخواهد بود اگر این ریش مطرح شود که «با مطالعه این مجموعه چه چیزی مطالبه خواهد شد؟» گرانبها عزیز، اگر در جاده مطالعه، روی خطوط نگاه حرکت کنیم و در میان خطوط، اندیشیدن را بیاندیشیم به زیر بنای مفید ذهن افزوده‌ایم. کار اصلی و اصل کاری آحاد مطالب، در ورود کردن و سرک کشیدن، خارج از چارچوب عادت‌ها و درخواست «و غیره‌ها» است.

جملگی جملات سعی دارد که جانب توجه را به صحن علنی زندگی برده تا با نگاه چندوجهی و چشم بررسی، مسائل را واریسی کرده، که «با خود چه کرده‌ام؟» و «برای خود چه کرده‌ام؟» مهارت متفاوت دیدن و لایه‌های جدید را رو کردن، دامنه انتخاب‌ها را در گستره راه‌های جدید و خلافتانه گسترش خواهد داد.

اگر بپذیریم و بیردازیم به اینکه نقش بسته در زندگی، به خاطر عادت‌های نقش بسته در ذهن می‌باشد، می‌توان با شأن شرایط به گردگیری نگاه پرداخت، تا قابلیت با گرفتن پاس فکری، خلافتش گل‌ک، و از - الت یک بعدی و تک‌نواختی خارج شده و با «برداشت بعدی» جان تحمل گرفت.

با التنا، به اینکه برش و ارتقاء دیدمان بستگی تنگی به «ذهن بارداری دارد که نگاه بالغ را وادار به فارغ شدن» می‌کند، با بازیافت بافت‌های فرسوده و اصلاح نژاد واژه‌ها، قابلیت‌های بالقوه‌ای که از خودمان جوان‌ترند در سبب اندیشه پیدا خواهد شد.

در مسیر کمال، با قدرت تهیم از قدم برداشتن بعدی نمی‌ترسیم. سعی مطالب ارائه شده در تصویرگری محض بوده تا خواننده، خود آن را ترسیم و تفسیر کند.

آن گاه که در جهت درگیر کردن هوشمندان، منقلب قلم برداشته شود «مطلب خود را دیکته نمی‌کند بلکه به خلافت مناطب تکیه می‌کند» و نتیجه‌ای از آن تحصیل می‌شود تا فارغ التاثر باشد.

نقشه مسیر این نوشته، از مواد اولیه تا مطالب غنی شده سعی در واقع‌نگر بودن دارد تا با پایی که روی زمین قدم می‌زند از ضمیر ذهن قلم‌بزن در این صورت قاب عکس نگاه دیدنی شده و عمق و عمری با زیربنای مفید، هم برای همه و هم برای بقیه خواهد داشت!

به احتمال حتماً اهمیت «چگونه می‌گوییم؟» کمتر از «چه می‌گوییم؟» نیست. ترکیب بد جمله، بد ترکیب شدن پیام آن را سبب می‌شود، از طرفی خوش‌آهنگ بودن مطلب، خوش‌آیند بوده و به خاطر تعلق خاطری که پیدا می‌شود ذهن‌نشین شده و در خاطر تایپ می‌گردد.

اگر بتوان مجموعه حاضر را زیرنویس یک نگرش قلمداد کرد می‌توان با نهان‌سازی پیام و نماسازی کلام طرز تازه‌ای را نشانه رفت تا در عین فربه شدن پیام، سبب طولانی شدن کلام نشد و با حذف و لحرفی طلب آئین کوتاه با «هیكل قلمی» را پرو نمود. اگر کار به قاعده‌ای انجام گردد پس ذائقه و سابقه فکری با هر سازی می‌تواند با آن زندگی مشترکی داشته باشد. چرا که به قول معقول با نشان دادن کلمات می‌توان پیام تازه دمی که در آن نهان گرفته را نشان داد.

بی‌پراشتز عرض کنم، ای‌چرا خواج موج داشتن مطلب با مخاطب و ارتباط صمیمی با شخصیت کار می‌توان خواننده را بدون اینکه نصیحت بشود و سرزنش بشنود، با نگاه خلاق به این پرسش رساند که چه نسبتی با خود دارد؟ و آیا افتخار آشنا با خود را پیدا کرده است؟ پس نوشتار پیش رو «چیزی یادشان نمی‌دهد بلکه چیزی یادشان می‌آورد»، تا مخاطب بتواند خود را بهتر توضیح دهد.

عزیز سراپاهوش، سفت‌کاری و نازک‌کاری این مجموعه، در عین ساده بودن به سادگی از معنا و معمای «خوب دیدن» و «خوب دانستن» دیدن» نمی‌گذرد در اقصی نقاط مطالب، با کاریست تناسب اندام جملات و افزودنی‌های لازم، سعی در کوک کردن ساز نو و نوسازی نگاه کلنگی داشته و در یک ضیافت به استقبال تازگی شتافته است تا ضمن تأمین مایحتاج فکری، ذهن را به «تفریح» ببرد.

با این مطلب راحت نیستیم که در سراب تصویر ذهنی، نویسندگی

در یک قلمی است و فقط کافیست قلمی برداشت و در قلمرو برداشت خود قلم زد. اگر نگارنده نه بر اساس «دید» خود بلکه بر اساس «بازدید» خود، چشم اندازد چشم اندازهای چشمگیری را مرئی و معنی خواهد ساخت که با دیده تکانی می توان دیدن را دیدنی ساخت و نگاه چشم چسبی ارائه نمود.

ریتم و تیپ ارائه شده شاید حرف تازه ای نباشد ولی نگاه تازه ای است که نا طنز است و نه تحفه نظنر! اگر نوشته ساختاری بساز و بفروش داشته و با سبک سبک به سرهم کردن و سرگرم کردن عرضه اندام کند، ذهن حیران و ذوق حیران خواننده را سبب شده و در راستای اشتباهی ذهنی او قلمی بر نداشته، که غث تهوع فکری او خواهد شد. با نشانه شناسی می توان فقط نشانه را نشان داد با این نمود خواننده باشد که نشانه می گیرد و به نشانی می رسد. نمک نشانی است اگر طنز را شناسیم و لب به لبخند بزنیم! تولد این نورسیده مدعی شایک نیست ولی سعی دارد با لقمه مطالبی که برای مخاطب گرفته را بخاری ارائه کند تا اگر او را ذوق زده نمی کند از ذوق هم زده نکند!

گرچه مشق حاضر با یک دست نوشته شده ولی یکدست نیست بلکه موسیقی متنی از جلوه نگاه بود که سبک منحصر به شخص آن، با التفات به خط زدن و خط دادن تکایف توسط اساتید گرانپایه و عالی مقدار می باشد که همه گاه مرهون نظرات و نظرات در تصحیح و تشویق خود بوده ام. علاوه بر این مشروط به این شرط که «باطری قلمی ام» شارژ باشد به زودی رُست تازه ای از نگاه بازیگوش را با صدا و سیمای جدید در مجموعه های دیگر «دوباره باید شد» به مخاطبین جان، تعارف خواهم کرد.

عطف توجه به توشه ای که در دیدرس قرار گرفتن رنگین کلام ارائه

شده، در رسانه‌های نوشتاری و شنیداری همراه دارم ادامه مسیر را همواره هموار یافته‌ام. ولی نظر به نیاز خودم، نیاز به نظر شما موجب کسب شأن این مجموعه خواهد بود، قطعاً مورد التفات قرار خواهید داد... با این امید که با مطالعه این مجموعه حسی از جنس لذت و نهایت داشته باشید، این «نورچشمی» را به عنوان «چشم‌روشنی» تقدیم می‌دارم، عرضم را طول نمی‌دهم، شوقمند لمس نگاهتان هستم...

مهرتان را سیاس

عندالمطالبه در خدمتیم... عشقالکر/علی درویش